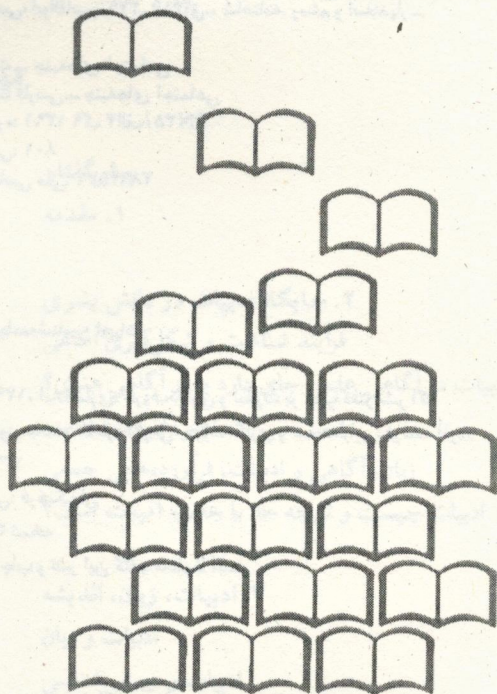


کندوکاوی در
جامعه‌شناسی ادبیات
فرهنگ ارشاد



فهرست مطالب

- ۹ پیش‌گفتار
- ۱۱ ۱. مقدمه
- ۳۳ ۲. جایگاه ادبیات در دانش بشری
- ۳۳ فرآیند شناخت و شکل‌گیری آگاهی
- ۳۹ آیا ادبیات در آگاهی علمی جای دارد یا در آگاهی هنری؟
- ۴۶ هنر، ادبیات، جامعه
- ۵۰ زبان، آگاهی و ادبیات، فرآورده‌هایی جمعی
- ۵۴ ادبیات چیست و تا چه حد با جامعه آمیخته است؟
- ۶۳ ۳. ادبیات، زبان، اندیشه
- ۶۳ ادبیات و زبان
- ۷۲ ادبیات و زیبایی‌شناسی
- ۸۳ ۴. بررسی متون موجود و مبانی نظری
- ۹۳ مکاتب و جنبش‌های نظری ادبی / اجتماعی
- ۹۴ کلاسیسم
- ۹۶ روشن‌گری و رُمانتیسم
- ۱۰۹ رُمانتیسم نو یا دنباله‌ی رُمانتیسم

۱۱۲	فرمالیسم یا صورت‌گرایی
۱۱۴	پدیدارشناسی
۱۲۲	نظریه‌ی دریافت
۱۲۹	نقد عملی و نقد جدید
۱۳۵	ساختارگرایی
۱۴۸	پساساختارگرایی
۱۵۰	ژاک لاکان
۱۵۴	دریدا، پساساختارگرایی، و اسازی
۵. انواع ادبی	
۱۶۷	رمان
۱۷۹	رمان در ایران
۱۸۶	شعر در ایران
۱۸۹	
۱۹۷	۶. ادبیات عامیانه به منزله‌ی پایه‌ای برای انواع ادبی
۲۰۲	ادبیات شبکه‌ای از روابط اجتماعی
۲۰۵	بعضی ویژگی‌های جامعه‌شناختی ادبیات عامیانه
۲۱۴	انواع الگویی ادبیات عامیانه
۷. مبانی زیبایی‌شناسی در انواع ادبی با توجه به جنبه‌های اجتماعی	
۲۱۷	مروری بر برخی رویکردهای زیبایی‌شناسی
۲۲۱	زیبایی‌شناسی و انواع ادبی
۲۲۸	۱. تخیل
۲۳۰	۲. افسانگی
۲۵۲	۳. نوآوری
۲۵۵	
۸. جایگاه سبک‌شناسی در جامعه‌شناسی ادبیات	
۲۶۵	سبک کلی یا دوره و سبک شخصی
۲۷۵	مروری گذرا بر سبک‌ها ادب فارسی
۲۷۹	

۲۹۷	۹. ساختارگرایی تکوینی
۳۰۱	ساختارگرایی تکوینی گلدمن
۳۱۴	مفاهیم اساسی ساختارگرایی تکوینی
۳۱۸	مبانی پارادایمی ساختارگرایی تکوینی نقد اثر ادبی
۱۰. بررسی داستان رستم و اسفندیار در چارچوب ساختارگرایی تکوینی	
۳۳۵	شرایط زندگی فردوسی و پایگاه اجتماعی او
۳۳۷	انگیزه و هدف فردوسی در سرودن شاهنامه
۳۴۱	مروری بر داستان رستم و اسفندیار
۳۴۳	شخصیت‌های داستان
۳۵۰	ساختارگرایی تکوینی در داستان رستم و اسفندیار
۳۶۰	داستان رستم و اسفندیار، اوج تراژدی
۳۷۹	
۳۸۹	منابع
۴۰۱	نمایه

پیش‌گفتار

در سپهر اندیشه و آگاهی بشری ادبیات جایگاه برجسته‌ای دارد، ولی شاید این برجستگی آن‌چنان‌که بایسته و شایسته‌ی ادبیات است شناسایی نشده است. ماده‌ی نخستین و اجتناب‌ناپذیر ادبیات زبان است و زبان نیز خود عنصر شالوده‌ای فرهنگ و تمدن هر جامعه به‌شمار می‌آید. به‌نظر می‌رسد کمتر تمدن درخشان و ریشه‌داری را در جهان بتوان تصور کرد که دربردارنده‌ی میراث ادبی کم‌توش و توانی باشد. ادبیات بستر پویایی فرهنگ هر جامعه است، و فرهنگ نیز میراث انسانی اقوام و جوامع مختلف و هم‌چنین وجه تمایز انسان از دیگر جانوران است.

پیوند تنگاتنگ ادبیات با فرهنگ و پذیرش جایگاه فرهنگ به‌عنوان گوهر زندگی اجتماعی، پیوند ساختاری ادبیات و جامعه را روشن می‌سازد. برای نمونه منابع باستانی، هم‌چون *مهابهارات* و داستان‌های پنج‌گانه‌ی *بیدپای هندی* و *شاهنامه* و *کلیله و دمنه* (متن ایرانی شده‌ی *داستان‌های بیدپای*)، که همه سرشار از شرح پایگاه‌ها و روابط اجتماعی در سطح فردی و گروهی‌اند، درهم‌تنیدگی جدایی‌ناپذیر و ریشه‌دار ادبیات و زندگی اجتماعی را گواهی می‌دهند. این وضعیت از دیرباز تاکنون نه‌فقط کاستی نیافته که بیان واقعیت‌های اجتماعی در ادبیات نوین بسی کارکردی‌تر شده است. شاید چندان بی‌راه نباشد که گفته شود راز ماندگاری رمان‌های معروف جهان توصیف ظرایف اجتماعی و کشاکش‌های گروهی و فردی است که با بیانی اثربخش نمایان شده است. در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی، مردم شهر اهواز زندگی دشواری را می‌گذراندند. این احمد محمود بود که در قالب داستان، شهر سوخته‌ی خود را توصیف کرد.

نویسنده‌ی این اثر که دوران دانش‌اندوزی رسمی خود را در سطح دانشگاهی در موضوع تخصصی مهاجرت به پایان رسانده، پس از اشتغال به کار دانشگاهی، به پژوهش در پیرامون این موضوع پرداخته و سپس از مهاجرت نیروی انسانی به مهاجرت اندیشه (یا مهاجرت نخبگان) و فرار مغزها و از آن رهگذر به وادی علم، هنر و ادبیات (به منزله‌ی جلوه‌هایی از فرآورده‌های اجتماعی) سر برآورده است. با این همه دو نیروی توانمند در برانگیزاندن نویسنده به گام نهادن در قلمرو جامعه‌شناسی ادبیات سخت کارگر افتاد. یکی از آن دو، شرکت در کلاس‌ها و گفتارهای استاد آریان‌پور در دهه‌ی ۱۳۴۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ و سپس بهره‌گیری از آثار نوشتاری ایشان (جامعه‌شناسی هنر، فرویدسم و اشاراتی در ادبیات و عرفان، و کتاب به ظاهر کوچک آیین پژوهش) بود که این دانشجو را به بازخوانی نظام‌مند برخی از آثار ادبی کلاسیک خودمان کشاند؛ آثاری که هر کدام منبعی برجسته و حتی، به خودی خود، کنشی جامعه‌شناسانه‌اند. پس از تأثیرپذیری از این رابطه‌ی استاد-شاگردی، نوبت تأثیر شاگردان بر معلم‌شان رسید! و آن تشویق و واکنش نیروی جوانی بود که طی چند سال در کلاس درس «جامعه‌شناسی ادبیات» شرکت می‌کردند و هرچه تجربه و توانایی معلم‌شان بیشتر می‌شد، آن‌ها نیز به این حوزه‌ی دانشی دل‌بستگی بیشتری نشان می‌دادند و به سهم خود مشوقی اثرگذار در فراهم‌آوردن این کتاب شدند. شاید بیش از همه آن‌ها بودند که نیاز به چنین منبعی را همواره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم خاطر نشان می‌ساختند. ولی، گفت‌وگو و گام‌زدن در این وادی گسترده و بسیار حساس، که سر می‌شکند دیوارش، جسارتی می‌خواست که تشویق آن نیروی جوان، خوف و رورود به این وادی را از من گرفت و «زدیم بر صف زندان و هرچه بادا بادا».

در فراهم‌آوردن این اثر، یاری و پشتیبانی همسر ارج‌مندم، خانم آذر مینا، که خود دستی و علاقه‌ای در ادبیات دارند، همواره باعث دلگرمی و پویندگی این دانشجو بوده است. در میان دانشجویان گرامی، نام حافظ احمدی را نباید فراموش کنم که منابع زیادی را سخاوتمندانه برایم گرد آورد و در دسترس من قرار داد؛ سپاس‌گزاری از او به‌راستی خشنودم می‌کند. از انتشارات آگه که به چاپ و نشر این اثر همت گماشته سپاس‌گزارم.

ف. ا.

پائیز ۱۳۹۰

مقدمه

اکنون تدریس جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران عمری هفتادساله یافته؛ و این جریان از وضعیت یک درس دو یا سه ساعته در برنامه‌ی هفتگی دوره‌ی کارشناسی (لیسانس) در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران شروع شده تا به امروز، که به شکل‌گیری دانشکده‌ها و گروه‌های مختلف علوم اجتماعی در سازمان دانشگاه‌های کشور انجامیده است. مباحث جامعه‌شناسی در سال‌های نخست زیرعنوان «علم‌الاجتماع» تدریس می‌شد و سپس در دهه‌ی ۱۳۲۰ به پیشنهاد استاد غلامحسین صدیقی - که خود بنیان‌گذار جامعه‌شناسی در ایران بودند - عنوان رسمی جامعه‌شناسی به‌خود گرفت و به سرعت پذیرفته شد. هم‌چنین نزدیک به نیم قرن است که مباحثی در ارتباط با جامعه‌شناسی ادبیات وارد برنامه‌های آموزشی دانشگاهی ما شده است. چنان‌که بازهم استاد صدیقی به منزله‌ی نخستین مدرس دانشگاهی، از سال ۱۳۴۸ درسی را با عنوان *اجتماعیات در ادبیات در بخش علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران* پیشنهاد و خودشان شروع به تدریس آن نمودند. سپس یکی دو دهه طول کشید تا در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰، مبحث مزبور با عنوان *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی* به دروس رشته‌ی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی پیوست، که البته آن‌هم اختیاری بود و نه اجباری (روح‌الامینی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۴؛ کوثری، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵).

در شرایط کنونی، یکی از مشکلات هویتی این درس، عنوان مصوب آن